

# کشف جاذبه کلمات

## وزن شعر

محمد کاظم مزینانی

### زبان فرشته‌ها

وزن از کجا می‌آید؟  
از جنین مادر  
از صدای باران  
یا از بال‌های یک کبوتر

وزن یعنی:

چیدمان هنری و خلاقانه کلمات  
و مهمان شدن  
در خانه کلمات

بی‌وزنی با وزن تفاوت دارد  
به اندازه زمین تا آسمان  
اولی زبان حیوان ناطق است  
و دومی، زبان رایج بین فرشته‌ها و  
ستارگان

فرق شاعر و حیوان ناطق بسیار است  
اولی در آسمان‌ها پرواز می‌کند  
و دومی هنوز میان غار است

وزن خوب و مناسب  
به شاعر بال و پر می‌دهد  
وزن نامناسب اما  
امکانات او را هدر می‌دهد

### نمونه‌ای از وزن خشک و رسمی

چنین نماید شمشیر خسروان، آثار  
چنین کنند بزرگان، چو کرد باید کار  
به تیغ شه نگر، نامه گذشته مخوان  
که راست‌گوی تر از نامه، تیغ او بسیار  
(عنصری بلخی)



موقع شعر گفتن  
به بحور و اوزان و ارکان نگاه نکن  
و فکر نکن چه گفتی و چه نگفتی  
و گرنه مثل لاک پشت پرنده  
از آن بالاها به زمین می آفتی

وزن هایی هستند خوش آب و رنگ و رسمی  
مثل طاووس  
اما به هیچ دردی نمی خورند  
توی خیابان  
یا یک اتوبوس

مردم امروزه  
بیشتر از وزن هایی خوششان می آید  
نزدیک به گفتار معمول  
وزن هایی روان و ساده و صمیمی  
و بدون هیچ ادا و اصول

شعر بی وزن را باید به شرط چاقو بخری  
مثل هندوانه  
اما شعر موزون  
اصلاً خریدنی نیست  
مانند بال های یک پروانه

آیا وزن غریزی است؟  
نمی دانم... شاید!  
فقط این را می دانم که اگر واقعاً شاعر باشی  
وزن خودش می آید

#### نمونه ای از وزن هوشمندانه

ای کاروان آهسته ران کارام جانم می رود  
وان دل که با خود داشتم، با دلستانم می رود  
من مانده ام مهجور از او، بیچاره و رنجور از او  
گویی که نیشی دور از او، بر استخوانم می رود  
محمل بدار ای ساربان، تندی مکن با کاروان  
کز عشق آن سرو روان، گویی که جانم می رود  
او می رود دامن کشان، من زهر تنهایی چشان  
دیگر مپرس از من نشان، کز دل نشانم می رود  
در رفتن جان از بدن، گویند هر نوعی سخن  
من خود به چشم خویشتن، دیدم که جانم می رود  
(سعدی)